

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته

فرمایش مرحوم نائینی (قدس سره) و اشکالاتی که امام بر ایشان وارد کردند را ملاحظه فرمودید و البته تا حدی به این اشکالات جواب دادیم. دو اشکال دیگر هم در فرمایشات صاحب منتقی آمده که آن را هم متعرض می شویم و بعد تحقیقی که خود امام دارند را عرض می کنیم.

جواب نقضی مرحوم صاحب منتقی به مرحوم نائینی

صاحب منتقی بعد از نقل کلام نائینی می فرمایند این کلام هم اشکال نقضی و هم جواب حلی دارد. در اشکال نقضی می گویند ما کلام شما را به متزاحمین نقض می کنیم به این بیان که اگر در متزاحمین قدرتتان را صرف یکی از دو متزاحم کردید، دیگر از صرف قدرت نسبت به متعلق و موضوع دیگری عاجز هستید چون هر حکمی نسبت به متعلق خودش دعوت می کند. در نتیجه کلّ منهما أما يمنع عن موضوعه و هو الحكم الآخر. هر یک از متزاحمین می شود مانع از مانع الموضوع، هر کدام مانع است از مانع موضوع خودش، یعنی این حکم مانع هست از مانع موضوع خودش آن حکم هم مانع هست از مانع موضوع خودش، برای اینکه این حکم می گوید قدرت خودت را صرف در متعلق من کن، آن حکم هم می گوید قدرت خودت را صرف کن در متعلق من، پس این حکم که به مکلف می گوید قدرت خودت را در متعلق من صرف کن و این آدم اگر قدرتتش را در این متعلق صرف کرد مانع می شود از اینکه متعلق دیگری انجام شود پس این حکم می شود مانع عن المانع، این حکم خودش مانع از مانع می شود

صاحب منتقی مثال به انفاذ غریقین می زند و می گوید در جایی که دو وجوب انفاذ غریق داریم هر کدام اقتضا می کند که قدرت را صرف در متعلق خودش کنیم در نتیجه هر کدام مانع از مانع می شود. یعنی هر کدام موضوع خودش را حفظ می کند. به عبارت دیگر وقتی این می گوید قدرت خودت را صرف در متعلق من کن و اگر این قدرت را صرف متعلق کرد دیگر نمی تواند متعلق دیگر را انجام بدهد لذا این صرف القدرة در متعلق مانع از مانع می شود. در نتیجه هر حکمی در متزاحمین محافظ علی موضوعه.

اشکال حضرت استاد به مرحوم صاحب منتقی

به نظر ما این جواب و اشکال نقضی وارد نیست. اولاً فرمایش مرحوم نائینی مبتنی بر یک قاعده ی عقلی است و آن قاعده این است که موضوع به حکم، به منزله ی علت نسبت به معلول است. هیچ معلولی نه اثبات موضوع و نه اثبات علت و نه نافی علت نیست. این قاعده عقلی قابل نقض نیست مگر اینکه اساس جریان قاعده را منکر شویم.

ثانیاً از مجموع مطالب نائینی نتیجه می‌گیریم که در باب احکام دو قاعده داریم که اصولیین به آن‌ها ملتزم‌اند. یک قاعده همین قاعده‌ای که مرحوم نائینی مطرح کرده و می‌گوید، هیچ حکمی محافظتاً علی موضوعه نیست. یعنی در قضایای حقیقیه، حکم علی تقدیر ثبوت الموضوع است و اگر موضوع به سبب عللی که موجد موضوع در عالم خارج‌اند موجود شد حکم می‌آید اما مسلم است که حکم نه اثبات وجود موضوع در عالم و نه مانع از موضوع در عالم خارج نیست. قاعده دیگر این است که هر حکمی دعوت به متعلقش می‌کند.

به نظر ما بین این دو قاعده برای صاحب منتقی خلط شده. مثلاً وقتی می‌گوئیم اقیموا الصلاة، اقیموا به صلاة دعوت می‌کند اما به روزه دعوت نمی‌کند؛ این حکم یدعوا إلی متعلق خودش. در نقضی و باب متزاحمین هم که ایشان آوردند از این باب است که هر حکمی یدعوا إلی متعلقه. این انقذ الغریق می‌گوید این غریق را نجات بدهد و آن انقذ الغریق می‌گوید غریق دیگر را نجات بده.

جواب حلی مرحوم صاحب منتقی به مرحوم نائینی

ایشان در جواب حلی می‌فرماید، مرحوم نائینی گفتند حکم نمی‌تواند مانع عن المانع بشود پس شک مسببی نمی‌تواند مانع از شک در سبب شود. ما یا از راه خُلف می‌توانیم امتناع را ذکر کنیم به این بیان که می‌گوئیم در هر قضیه‌ی حقیقیه‌ای حکم علی تقدیر ثبوت الموضوع است و در نتیجه حکم متکفل اثبات موضوع نیست پس اگر بگوئیم حکم موضوع را درست می‌کند این خُلف می‌شود چون فرض کردیم که حکم علی تقدیر الموضوع است. به بیان دیگر فرض می‌کنیم اگر موضوع موجود شد حکم می‌آید الآن اگر بخواهیم بگوئیم حکم خودش موضوع را درست کرد منجر به خُلف می‌شود.

ایشان می‌فرمایند این بیان حکم باه%